



۱۴

تشخیص پوسیدگی سطحی دندان به عکسبرداری نیاز ندارد

رادیوگرافی دندان؛ خطرناک یا بی خطر؟

سوء استفاده غیر اخلاقی از گردشگری



۱۶

همورد عجیب از پیوند مغز و ماشین



۱۵

زندگی

سه شنبه ۲۱ خرداد ۱۳۹۸ شماره ۵۴۰۳

۱۳



info@jamejonline.ir
روابط عمومی: ۲۲۲۶۱۴۷

#پزند آسفالت

مهرپور از پزند: در شهرک جدید پزند وضعیت آسفالت خیابان‌ها مساعد نیست و دست‌انداز و چاله‌های فراوانی دارد. همچنین جولان سنگ‌های ولگرد باعث سلب آسایش ساکنان این شهر شده است.

#خیابان کم‌عرض

کمالی از تهران: در خیابان مطهری از ولیعصر تا بزرگراه مدرس به دلیل کم‌عرض بودن این خیابان و سرعت بالای بعضی خودروها مشکلاتی برای رانندگان به وجود آمده است. از پلیس راهور خواهشمندم به این موضوع رسیدگی کنند.

#پروانه نگرانی

زرین نما از تهران: با بارش‌های اخیر و هوای پاک در تهران شاهد افزایش پروانه‌ها هستیم که جای سفید بالک‌های مزاحم را گرفته‌اند. امیدوارم این موضوع آسپینی برای شهروند شهروندان نداشته باشد.

#گرانی روغن موتور

زارع نژاد از قائن: روغن موتور خودروهای سنگین مانند کامیون در یک هفته از ۱۵ هزار تومان به ۲۵ هزار تومان افزایش داشته است، چرا؟

#تغییر چمستان

رویانی از نوره: در شهر چمستان استان مازندران زمین‌های کشاورزی توسط سودجویان و دلالان در حال تغییر کاربری است و در چند سال آینده دیگر زمین کشاورزی در این منطقه وجود ندارد. مسئولان اقدام اساسی کنند.

جوابیه

در پی درج پیامی در ۴ اردیبهشت ۱۳۹۸ با عنوان «تهویه» مشاور مدیرعامل و مدیر ارتباطات و امور بین‌الملل متروی تهران و حومه با ارسال نامبری اعلام کرد: به اطلاع می‌رساند تلاش پرسنل فنی شرکت بهره‌برداری مترو، خرابی سیستم تهویه قطارهای خط چهار به صفر رسیده و دمای واگن‌ها روی عدد مناسب (۲۰ درجه سانتی‌گراد) تنظیم شده است. اما موضوع ناراضیاتی برخی از مسافران نسبت به نامناسب بودن هوای داخل واگن‌ها مربوط به استفاده ایشان در ساعات اوج ترافیک و ازدحام جمعیت بوده که موضوعی اجتناب‌ناپذیر است. لازم به توضیح است که فعال‌سازی سیستم تهویه توسط راهبر قطار از مبدا حرکت انجام گرفته و مربوط به ایستگاه خاصی در خط چهار نیست.



فائزه اکبری

جامعه

وقتی محمد مهدی به دنیا آمد، چیزی تل‌دل سمیه و محسن تکان خورد؛ محمد مهدی شبیه بقیه نوزادان آن روز بیمارستان نبود، دکترها می‌گفتند با قلبی سوراخ به دنیا آمده، با لگنی کوچک‌تر از حد معمول و شرایطی که زندگی را برایش سخت می‌کرد. سمیه و محسن مثل همه پدر و مادرهایی که ۹ ماه منتظر به دنیا آمدن فرزندشان هستند، چشم انتظار دیدن محمد مهدی بودند، چشم انتظار در آغوش کشیدن یک نوزاد سالم اما واقعیت آنها را در همان دیدار اول شوکه کرد: آنها صاحب یک فرزند معلول شده بودند. هیچ پزشک متخصصی پیش از آن درباره معلولیت محمد مهدی چیزی به آنها نگفته بود، نتایج سونوگرافی و معاینه‌های پزشکی، همه شهادت می‌دادند فرزندشان سالم است. اما نبود حالا چهار سال از آن روز گذشته و با وجود همین معلولیت جسمی مادر زاده، او به کمک پدر و مادرش، تقدیرش را طوری دیگری رقم زده و حالا قهرمان ششمین دوره مسابقات معلولین و جانبازان در رشته صخره‌نوردی است!

خانواده بخشی این فاصله چهارساله، یعنی از تولد محمد مهدی تا همین حالا را راحت نگذرانده‌اند؛ روزهای اول تولد، مدام دنبال جواب برای این سوال بودند که چرا این اتفاق افتاده؟ چرا نابیناگری چنین شان قبل از تولد مشخص نشده؟ چرا پزشکان در سونوگرافی تشخیص نداده‌اند که استخوان‌های تحتانی، انگشتان پا و زانوهای او تشکیل نشده‌اند و در قلبش سه حفره وجود دارد؟! این سوال‌ها مدام در ذهن این دو نفر چرخ می‌خورد؛ همان موقع که یک پایشان بیمارستان بود و یک پایشان با یک پایشان در همان موقع که دکترهایی که محمد مهدی را معاینه می‌کردند، به آنها می‌گفتند چون پسرشان زانو ندارد برای این که بتواند راه بیفتد باید پاهایش از زانو به پایین قطع شود. گرفتن این تصمیم کار ساده‌ای نبود، اما آنها به امید این که روزهای بهتری در انتظار فرزندشان باشند، با قطع پاهای پسرشان موافقت کردند.

دست‌های پرتوان محمد مهدی

دوره نوزادی محمد مهدی با تب و تاب زیاد گذشت، پس از قطع پاها و انتظار برای بهبود زخم‌ها و رشد استخوان لگن. اما او یک قهرمان بود، پسری که کوتاه نیامد، بارها با پروتزهایی که برایش ساخته بودند، راه رفت، زمین خورد، بلند شد و دوباره راه رفت و در نهایت در سه سالگی موفق شد با کمک پروتزهای مخصوصی که برایش ساخته بودند، راه برود. سمیه دلور، مادر محمد مهدی از آن روزها خاطره زیاد دارد: «پسرم را با همین شرایط مثل بقیه بچه‌ها به پارک می‌بردم و در همین رفت و آمدها دیدم خودش هم دوست دارد شرایطش را عوض کند. دیدم به تنهایی از پله بالا می‌رود، از وسایل بازی و سرسره و... آویزان می‌شود و دست‌هایش واقعا قوی است. حتی خیلی وقت‌ها که در خانه بودیم، می‌دیدم که حرکت‌های چرخشی و ژیمناستیکی را که از تلویزیون پخش می‌شد، تکرار می‌کند.»

دست‌های پرتوان محمد مهدی

دوره نوزادی محمد مهدی با تب و تاب زیاد گذشت، پس از قطع پاها و انتظار برای بهبود زخم‌ها و رشد استخوان لگن. اما او یک قهرمان بود، پسری که کوتاه نیامد، بارها با پروتزهایی که برایش ساخته بودند، راه رفت، زمین خورد، بلند شد و دوباره راه رفت و در نهایت در سه سالگی موفق شد با کمک پروتزهای مخصوصی که برایش ساخته بودند، راه برود. سمیه دلور، مادر محمد مهدی از آن روزها خاطره زیاد دارد: «پسرم را با همین شرایط مثل بقیه بچه‌ها به پارک می‌بردم و در همین رفت و آمدها دیدم خودش هم دوست دارد شرایطش را عوض کند. دیدم به تنهایی از پله بالا می‌رود، از وسایل بازی و سرسره و... آویزان می‌شود و دست‌هایش واقعا قوی است. حتی خیلی وقت‌ها که در خانه بودیم، می‌دیدم که حرکت‌های چرخشی و ژیمناستیکی را که از تلویزیون پخش می‌شد، تکرار می‌کند.»

سمیه در همین روزهای مادرانه اش فهمید که محمد

خراب می‌شود. اما امید نداشتیم، باز هم دست پسر ما گرفتیم و به یک باشگاه دیگر بردم.»

بالاخره پیگیری‌های سمیه نتیجه داد و آنها به واسطه معرفی یک آشنا توانستند پسرشان را در یک باشگاه خصوصی ثبت‌نام کنند و این آغاز رویای بزرگ پسرکی بود که پایی برای راه رفتن و رسیدن به رویاهایش نداشت، اما با دستانش سفت و سخت چسبیده بود به همین رویاها.

قهرمانی با دست‌های آهنین

ماجرای قهرمانی برای محمد مهدی از یک بازی ساده در پارک لاله شروع شد؛ از حرکات نمایشی این پسر بچه چهار ساله که بدون کمک بزرگ‌تره‌هایش تند و تند از میله‌های داخل پارک بالا می‌رفت؛ پسر بچه‌ای با پاهای پروتزی که از هیچ چیزی مانع بالا رفتنش دیگر مهارتی که او را به مسابقات صخره‌نوردی معلولان و جانبازان در ورزشگاه شیرودی رساند. آن هم درست زمانی که آوازه توانایی‌های محمد مهدی به گوش خیلی‌ها رسیده بود. آدم‌هایی که آمده بودند از نزدیک شاهد این توانایی محمد مهدی باشند. محسن پورقاسم، قهرمان معلول دیواره نورد کشورمان یکی از همین‌ها بود؛ کسی که با دیدن محمد مهدی اشک شوق ریخت و به حرکات ورزشی این پسر بچه نمایش شجاعانه را داد و به مادرش گفت: محمد مهدی فقط صعود نکرد، او با صعودش به همه ما درس بزرگی از تلاش و استقامت داد.



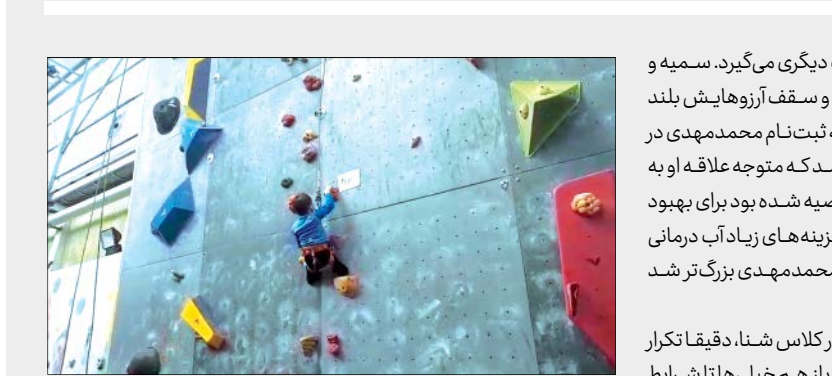
گزارشی از پسر بچه ۴ ساله‌ای که با وجود معلولیت قول قهرمانی جهان را داده است رستم داستان!

محمد مهدی حالا یک کودک قهرمان است؛ قهرمانی که معلولیت جزوی از زندگی اش است و مثل همه توان‌یابان دیگر کشورمان با هزاران یک مشکل درگیر؛ مشکلاتی که خیلی وقت‌ها خیلی‌ها را منزوی می‌کند، تجربه‌ای تلخ که مادر محمد مهدی درباره‌اش می‌گوید: «حضور در جامعه برای خانواده‌هایی که فرزند معلول دارند اصلا راحت نیست، خیلی جاها من و پسرم با واکنش منفی روبه‌رو شدیم، اوایل شاید هر دوی ما ناراحت می‌شدیم اما کم‌کم یاد گرفتیم به این واکنش‌ها بی‌توجه باشیم.»

آنها کم‌کم به این نتیجه رسیدند که تا وقتی خودشان محمد مهدی و توانایی‌هایش را باور نکنند، دیگران هم او را باور نمی‌کنند. سمیه در همین رابطه می‌گوید: «به ما ثابت شده معلولیت محدودیت نیست، این موضوع چه در رابطه با محمد مهدی چه معلولان دیگر صدق می‌کند، ما خانواده‌ها خیلی زود از توانایی‌های فرزندمان با خبر می‌شویم اما مساله مهم اینجاست کاری کنیم که دیگران هم این توانایی‌ها را ببینند.»

این دقیقاً همان کاری بود که والدین محمد مهدی انجام داده‌اند و قهرمانی محمد مهدی در مسابقات جانبازان و معلولین کشور نتیجه عملکرد آنهاست. اتفاقی که سمیه درباره‌اش می‌گوید: «کودک معلول حمایت می‌خواهد. الان رویای پسر من این است که در مسابقات مختلف شرکت کند. او علاوه بر صخره نوردی، در شنا هم استعدادش را نشان داده و مطمئنم روزهای خوبی در انتظارش است.»

زندگی +



درباره‌اش می‌گوید: «با این که به سختی این مربی را پیدا کردم اما او تا پسرم را دید و از قدرت دستانش با خبر شد گفت که محمد مهدی هیچ مشکلی در یادگیری نخواهد داشت چون دستانش به قدری قدرت دارند که کمبود حرکت پاهایش را در شنا جبران می‌کنند.» حالا ماجرای شنای این کودک چهارساله و علاقه و استعدادش به جایی رسیده که او با همان لحن شیرین کودکانه‌اش قول قهرمانی در مسابقات شنای جهانی را به همه می‌دهد.



کودکان دچار معلولیت و وظیفه خانواده

بهبود روند زندگی توان‌یابان و اشخاصی که با نقص عضو دست‌وپنجه نرم می‌کنند در گرو تلاش یک سازمان یا دستگاه نیست، بلکه نیازمند عزم و مشارکت یک جامعه است. خانواده به عنوان یک جامعه کوچک‌تر به طور طبیعی مهم‌ترین نقش را در رشد اجتماعی شدن کودک توان‌یاب خود دارد. هنگامی که در یک خانواده، کودکی متولد می‌شود که دچار نقص عضو است زندگی تمام اعضای خانواده را تحت تاثیر قرار می‌دهد و در حقیقت این خانواده است که باید با تعلیم و تربیت و آموزش صحیح به فرزند دچار معلولیت، مایه شگوفایی و رشد او در جامعه شود.

اولین مساله‌ای که در ارتباط با روش‌های تربیتی صحیح در خانواده‌های دارای فرزند دچار معلولیت باید مورد توجه قرار گیرد، مرحله پذیرش شرایط و سپس دوره‌های فرزند‌پروری است. دوره‌هایی که با توجه به نیاز کودک و نوع معلولیت از قبیل دوره‌های فرزند پروری اوتیسم یا فرزند پروری فلج مغزی یا همان سی‌پی‌ای اجرا می‌شوند. گذراندن چنین دوره‌هایی به خانواده کمک می‌کند تا یاد بگیرند همان ابتدای راه اختلال فرزند خود را ببینند و با کسب آگاهی کافی در چگونگی رفتار با فرزند معلول باعث افزایش اعتماد به نفس و بهبود روابط اجتماعی فرزندشان شوند.

بنابراین تنها چیزی که یک کودک توان‌یاب برای رسیدن به موفقیت به آن نیاز ضروری دارد، اعتماد به نفس است. تا وقتی اعتماد به نفس شخص دچار معلولیت پایین باشد و تفاوت‌های فردی خود با افراد عادی را نپذیرد شاهد انزوا افراد دچار معلولیت و گوشه‌گیری آنها خواهیم بود.



باید زمینه را برای حضور افراد دچار معلولیت در جامعه فراهم کرد، برای نمونه می‌توان آنها را در کارهای روزمره سهیم کرد و به این شکل تمایل شان برای مشارکت را بالا برد. خانواده‌ها به این شکل می‌توانند اعتماد به نفس و مهارت‌های اجتماعی فرزندشان را تا حد ممکن بالا ببرند. افزایش اعتماد به نفس، مهارت و حضور مکرر در جامعه به فرد دچار معلولیت و دیگر افراد نشان می‌دهد یک کودک توان‌یاب با دیگر کودکان تفاوتی ندارد.

بنابراین حمایت خانواده و چگونگی پذیرش معلولیت از سوی اطرافیان باعث می‌شود شخص توان‌یاب با خود فکر کند نه تنها افراد معلول محدودیتی برای حضور در جامعه ندارند بلکه می‌توانند افراد موفق باشند و محدودیت خود را جبران کنند.